

کنیه حضرت ابو عبدالله و القابش: صابر، فاضل، طاهر و صادق است. و «صادق» مشهورترین القاب آن حضرت است. پیامبر اکرم(ص) در خصوص انتخاب نام و لقب امام ششم فرموده است:

وقتی که فرزندم جعفر متولد شد نام او را صادق بگذارید زیرا فرزند پنجمش جعفر است و ادعای امامت می کند و او در نزد خداوند جعفر کذاب است.

ابن بابویه و قطب راوندی روایت کرده اند: از حضرت امام زین العابدین پرسیدند که امام بعد از شما کیست؟ «فرمود»: محمد باقر که شکافنده علوم است. «پرسیدند»: بعد از او امام که خواهد بود؟ فرمود: جعفر که نام او نزد اهل آسمانها صادق است.

سیمای امام صادق(ع)

درباره سیمای آن حضرت گفته اند: میانه بالا، افروخته رو و سفید، کشیده بینی و مشکین موی بود و بر گونه اش خال سیاهی داشت و به روایت امام رضا(ع) نقش نگینش «الله ولی عصمتی من خلقه» و به روایتی دیگر «الله خالق کل شیء» و به روایت معتبر دیگر: «انت ثقتی فاعصمنی من الناس» بود.

ولادت

آن حضرت در روز شنبه، هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری همزمان با سالروز تولد حضرت رسول اکرم(ص) به دنیا آمد. روزی که شریف و عظیم بود و صالحین از آل محمد(ص) حرمت این روز را نگاه می داشتند. پدر آن حضرت امام باقر(ع) و مادرش «ام فروه» دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است و عده ای گفته اند که نام او فاطمه بود.

امام صادق(ع) در حق مادرش می فرمود: «کانت امی ممن آمنت و اتقت و احسنت والله يحب المحسنين» مادر من بانوانی بود که ایمان آورد، تقوی و پرهیزکاری اختیار کرد، احسان و نیکوکاری نمود و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

مالک بن انس، فقیه اهل سنت در باره اخلاق صادق آل محمد(ص) گفته است: «مارایت افضل من جعفر بن محمد فضلا و علما و ورعا و زهدا و عباده...» در فضائل اخلاقی و علم و ورع و زهد و عبادت و بندگی پروردگار، بالاتر از امام صادق(ع) ندیدم، او سه حالت را در ایام زندگیش مراعات می کرد: یا روزه بود، یا در حال عبادت بود و یا ذکر می گفت و نام خدا را بر زبان جاری می کرد. روایت شده که: حضرت در نمازش قرآن می خواند و از حال می رفت. روزی از او سؤال شد چرا اینگونه می شوی؟ فرمود: آنقدر آیات قرآن را تکرار می کنم تا به حالتی روحانی می رسم مثل اینکه آن را از خداوند بلا واسطه می شنوم.

در عفو و بخشش آن حضرت از کتاب «مشکاه الانوار» نقل شده است که: روزی مردی خدمت حضرت رسید و عرض کرد پسر عمویت نسبت به شما اهانت و بدگویی کرد.

حضرت کنیز خود را فرمود که آب وضو برایش حاضر کند پس وضو گرفت و داخل نماز شد، راوی گفت: من در دلم گفتم که آن حضرت نفرین خواهد کرد بر او، پس حضرت دو رکعت نماز خواند و فرمود: ای پروردگار: این حق من

بود، به او بخشیدم و تو جود و کرامتت از من بیشتر است پس ببخش او را به کردارش نگیر و او را به عملش جزا مده
پس دقت کردم و دیدم که آن حضرت پیوسته برای او دعا کرد.